



مختصری از تاریخ جنبش روان کاوی

در سال 1908 چهل و دو روانکاو از کشورهای مختلف (آمریکا، اتریش، انگلیس، آلمان، مجارستان و سوئیس) اولین جلسه خود را تحت عنوان روان شناسان فرویدی در شهر سالزبورگ آلمان تشکیل دادند. دو سال بعد در سی مارس 1910 فروید به اتفاق ساندور فرنزی Sandor Frenzi تشکیلاتی بنام سازمان بین المللی روانکاوی Internationale Psychoanalytische Vereinigung (IPV) در شهر نورنبرگ بنیاد نهاد. این سازمان پس از مهاجرت اکثریت قریب به اتفاق روانکاوان ژرمنیک به آمریکا- که در پی بقدرت رسیدن هیتلر در آلمان صورت گرفت- نام ای.پ.ا بخود گرفت. میتوان نهضت روانکاوی را به سه دوره تقسیم کرد:

الف- سالهای تنهائی (1896-1907) که طی آن فروید با پشتیبانی عده معدودی به پایه ریزی شالوده روانکاوی همت گماشت.

ب- دوران «کارل گوستاو یونگ» که طی آن روانکاوی در سوئیس رخنه کرده جایی برای خود در کنار روان شناسی تجربی موجود در این کشور یافت. یونگ اولین کسی بود که در سال 1910 به

ریاست سازمان بین‌المللی انتخاب شد. در نظر فروید یونگ وارث بلافصل او بشمار میرفت. ولی چندی نپایید که اختلافات نظری آنها منجر به انفصال گردید و یونگ از روانکاوی فروید فاصله گرفته بتدریج روان‌شناسی تحلیلی خود را که بر پایهٔ وجهه نظری «ماوراء طبیعی» بود بنیان نهاد. ج- دورهٔ «آمریکائی» (1909-1913) که با سفر فروید به آمریکا آغاز شده پس از مهاجرت روانکاوان ژرمنیک الاصل به این کشور در 1936 گسترش یافت و تا به امروز ادامه دارد.

پس از جدائی یونگ از فروید انجمن روانکاوی زوریخ منحل گردید (1913) و جای خود را به انجمن روانکاوی شهر لندن داد که بهمت ارنست جونز Ernest Jones پا بعرضهٔ وجود نهاد. سپس شاهد ایجاد انجمن‌های دیگری در سراسر دنیا هستیم: سازمان هلندی روانکاوی (1917)، انجمن سویسی روانکاوی (1919)، سازمان روانکاوی روسیه (1922-1928)، انجمن روانکاوی هند (1922)، انجمن روانکاوی ایتالیا (1925) که در 1938 منحل شده در 1946 کار خود را از سر گرفت، انجمن برزیلی روانکاوی (1927)، انجمن روانکاوی پاریس (1926)، انجمن روانکاوی ژاپن (1932)، تشکل جمعی گروه‌های روانکاوی کشورهای اسکاندیناوی در 1934، سازمان روانکاوی آرژانتین (1942) و بالاخره انجمن روانکاوی بلژیک در 1946.

ای.پ.ا ابتدا (1910-1925) تنها به هماهنگ ساختن فعالیت‌های انجمن‌های مختلف اکتفاء میکرد ولی بتدریج حائز قدرتی روزافزون گردید تا آنجا که امروزه کنترل و بازرسی آنها را از طریق کمیسیونهای مختلف در سراسر دنیا بر عهده دارد. ای.پ.ا در طول حیات خود بحرانهای گوناگونی را پشت سر گذاشته که از آن جمله است مسألهٔ مجادله انگیز رابطهٔ روان‌کاوی با علم پزشکی که در سالهای 1926-1930 جوامع روانکاوی را بخود مشغول داشت. پرسش بر سر این بود که آیا آموزش روانکاوی میبایستی به پزشکان اختصاص داشته باشد و یا آنکه حرفه ای است اساساً غیر پزشکی؟ فروید از طرفداران قاطع نظریهٔ غیر پزشکی بود. کتاب وی موسوم به مسألهٔ روانکاوی غیر پزشکی (*Die Frage der Laienanalyse*) (1926) (*Question de l'analyse profane*) بهمین منظور نگاشته شده است. او در این کتاب فردی را که فاقد هرگونه اطلاعی از روانکاوی است بعنوان مخاطب خیالی خود در نظر می

آورد و با او به گفتگو نشست به آموزش روانکاوی به او می پردازد. بدین نحو فروید نشان میدهد که حرفه روانکاوی هیچگونه نیازی به آموزش پزشکی ندارد.

اما روانکاوان آمریکائی و در راس آنها ابرهام بریل با شخص فروید از در مخالفت درآمدند و اصل را در ای.پ.ا بر قبول کاندیداهائی برای آموزش روانکاوی گذاشتند که به اخذ مدرک پزشکی نائل آمده باشند.

این مساله روانکاوان اروپائی را که اکثراً مخالف وجهه نظر پزشکی در روانکاوی بودند از همکاران آمریکائی آنها متمایز ساخت.

از جنگ جهانی دوّم به بعد بتدریج دانشگاههای مختلف در سراسر دنیا به ایجاد رشته روان شناسی پرداختند و حرفه روان شناس رسمیت یافته با روان پزشکی از در رقابت بر آمد. لذا روان پزشکی که همواره روانکاوی را شعبه و بخشی از خود می انگاشت در مقابل روان شناسی که اکنون مدعی الحاق آن به رشته خود بود قرار گرفت. طرفداران فروید، که روانکاوی را حرفه ای غیر پزشکی میدانستند، ناگزیر مبارزه خود را به روان شناسی نیز گسترش دادند.

نهضت روانکاوی لکانی در فرانسه و توسعه آن در اروپا و آمریکای جنوبی موجب تقویت وجهه نظر فروید گردید. اما در حال حاضر بیم آن میرود که روانکاوی یک بار دیگر بصورت شعبه ای از روان پزشکی در آید بخصوص که بعلت بحران اقتصادی افراد برای استفاده از بیمه پزشکی بدان گرایش دارند که به روان پزشکان رجوع کرده از پرداخت هزینه روانکاوی خود معاف باشند. حال آنکه یکی از اصول روانکاوی مبتنی بر ضرورت پرداخت هزینه روانکاوی از سوی خود فرد بوده هرگونه دخالت را از طرف فرد یا مقامی ثالث در حیطه روانکاوی مخالف مبانی آن میدانند.

علیرغم اختلافاتی که میان انجمن ها و سازمان های متفاوت روانکاوی در سراسر دنیا وجود دارد، همگی در رعایت دو شرط عمده برای حرفه روانکاو اتفاق نظر دارند: 1- روانکاوی شخصی

که ایجاب میکند که فرد روانکاو خود مورد روانکاوی قرار گرفته باشد 2- انجام چند مورد روانکاوی تحت سرپرستی روانکاوان تایید شده. علاوه بر این دو شرط عمده، روانکاو بنحوی از انحاء کار خود را پیوسته تحت کنترل روانکاوی دیگر قرار داده از او در هدایت حرفه خود بطور مستمر مدد میطلبد. زیرا که روانکاوی حرفه ای دقیق و بغرنج بوده هرگز نمیتواند بکلی فرد روانکاو را از خطاهای حرفه ای مصون نگهدارد.

نکته دیگری که لازم است در مورد حرفه روانکاو خاطر نشان گردد اینستکه روانکاو با شرکت فعال در انجمن های مختلف، ایراد سخنرانی، انتشار مقالات و نوشته های خود همواره بر آن

خواهد بود که حجیت خود را مورد تایید همکاران خویش قرار داده در امر انتقال روانکاوی به نسل های بعدی سهمی بسزا داشته باشد.

حال با توجه به آنچه گذشت درک این امر دشوار نخواهد بود که چرا روانکاوان بخصوص در فرانسه پیوسته از برسمیت شناخته شدن حرفه خود توسط دولت سرباز زده اند.